

ادب مرد به ز تاکتیک اوست

آیسان سعیدی

روزنامه‌نگار ورزشی

بحث داغ هفته گذشته لیگ برتر پرحاشیه ایران تقابل یحیی گل محمدی و جواد نکونام بود، تقابلی که فقط در زمین فوتبال نبود و ترکش‌های آن تا چند روز بعد از بازی ادامه

داشت. در زمان بازی این دو سرمربی، کمتر کسی خاطره بدرفتاری یا حرکت عجیب و غریب از این دو فرد به یاد دارد اما مثل اینکه گذر زمان همه چیز را تغییر داده است. استارت حاشیه‌های این بازی از تاکتیک تیم نکونام آغاز شد، جواد نکونام که سابقه حضور در لالیگا و شاگردی کارلوس کی‌روش را دارد در دوران حرفه‌ای مربیگری خود نیز

ترجیح داد از سیستم دفاع اتوبوسی یا چشم به ضدحمله استفاده کند، این سیستم که یکی از سیستم‌های مورد علاقه دیگو سیمونته در اروپا به حساب می‌آید ورزن ایرانی‌اش را در تیم‌های جواد لالیگایی بخوبی می‌بینیم. این سبک بازی به تنهایی روی مخ رقیب هست و اگر نیمکت آرامی هم داشته باشید حسابی روان بازیکنان

و کادر حریف را تحت تأثیر قرار می‌دهد اما تیم جواد نکونام یک پلن بی هم روی نیمکتش دارد. افرادی که در کادر فنی نکونام حضور دارند همه از باغی‌های قدیم فوتبال ایران هستند که در کنار هم دار و دسته پرحاشیه فولاد را تشکیل می‌دهند. اعتراضات و حواشی زیاد نیمکت فولاد در طول بازی با پرسپولیس و مخصوصاً بعد

از اینکه خوزستانی‌ها جلو افتادند حسابی روی مغز پرسپولیس‌ها راه رفت و با وجود اینکه جواد نکونام از کنار زمین اخراج شده بود اما دستیاران او نقش‌اش را تا پایان بازی ادامه دادند، این حواشی اما فقط به زمین بازی ختم نشد و نکونام بعد از بازی با انتشار پستی آتش‌خشم پرسپولیس‌ها را دو برابر کرد که کار حتی به شکایت نیز کشیده شد.

استفاده از کلماتی مانند شغال در فوتبالی که اکثر باشگاه‌های ایرانی روی لوگوی تیم خود لقب فرهنگی ورزشی را یک می‌کشند کمی با رفتارهایی که می‌بینیم در تضاد است، چیزی که مشخص است این است که مهم نیست شما خود را شیر ببینید یا تاکتیک‌تان را لجن بخوانند؛ مهم این است که در آینده از شما به چه نامی یاد شود.

آنچه در اهواز دیدیم



آیسان سعیدی

خبرنگار ورزشی

معروف بود، ناگهان در راه‌روهای ورزشگاه خطاب به داور بازی فریاد کشید؛ مردی که تا آن روز کسی صدای بلندش را حتی کنار خط و برای هدایت بازیکنانش نشنیده بود. جلالی بعد از این آتشفشان جمله‌ای قصار گفت که جانمایه فوتبال ماست. آنجا که گفت: «در این فوتبال هر چه ساکت‌تر باشی، بازنده‌تری». این دکترین کلیشه‌ای و تلخ هنوز در این فوتبال تاریخ مصرف دارد، در حالی که در هیچ جای دنیا اثری از آن نمی‌بینید. فوتبال در تمام دنیا پدیده‌ای برای لذت بردن و رقابت در عالی‌ترین سطح آن است و از همین رو همه می‌کوشند درون مستطیل سبز و در فوتبال برنده باشند اما در ایران هنوز توسل به حواشی کیود فرامتنی و دعوا و جار و جنجال اسلحه اصلی برای موفقیت است و از فوتبال، تکنیک و تاکتیک هیچ خبری نیست. در حقیقت در اینجا تا به ورطه حاشیه نیفتی و دعوا نکنی، از موفقیت هیچ خبری نیست.

اتفاقات بازی فولاد و پرسپولیس در اهواز درست بر پایه همین انگاره بود. آنجا که دعوا و جنجال جایگزین فوتبال شد تا ۹۰ دقیقه تمام نمایش مهوعی را ببینیم که طرفین برای رسیدن به ۳ امتیاز حتی حاضر بودند یکدیگر را بدرند و پاره کنند. درست مثل نمایش‌های خونین گلا دیاتورها در کولوسئوم که برای زنده ماندن باید همدیگر را می‌کشتند. این فوتبال، فوتبال نیست. حتی جنگ گلا دیاتورها هم نیست.

یک علفزار تمام‌عیار که در آن هیچ نشانی از سرسبزی و زیبایی نیست و تا چشم کار می‌کند علف هرز است که رویده و برای رشد کردن سبزه‌های دیگر را قربانی می‌کند. برای این فوتبال و این جنگ بی‌حاصل و مهوع چیز بیشتری نمی‌توان نوشت.

مثل یک فیلم سینمایی بود؛ یک تریلر دارک از جنس فیلم‌های هیجکاک یا اسپیلبرگ. فیلمی که تنها صحنه‌های خشن و سیاه خود را از آثار این دو کارگردان بزرگ وام گرفته بود و هیچ شباهتی با خود اثر نداشت. گویی یک فیلم عریان از سکانس‌های درگیری در سینما را جمع‌آوری و آنها را در کنار هم مونتاژ کرده باشی. سکانس‌هایی که به فیلمفارسی‌های دهه ۴۰ و ۵۰ تنه می‌زد. آثاری که تمام موجودیتش به صحنه‌های اکشن و ۱۸+ وابسته بود و از بقیه المان‌های یک فیلم سینمایی نظیر فیلمنامه، سناریو، فیلمبرداری حرفه‌ای، میزانشن و... هیچ خبری نبود. تکرار این فیلمفارسی روی مستطیل سبز آن هم ۴ دهه بعد که عمر این فیلم‌ها مدت‌هاست به پایان رسیده و دیگر وجود خارجی ندارد، برآستی شگفت‌انگیز و حیرت‌آور است.

اینکه فوتبال را رها کنی و تنها به حاشیه‌های کیود پیردازی و به جای تاکتیک و تکنیک، نمایش مهوع اعتراض و دعوا بینی برآستی نوبر است. اتفاقی که مدت‌هاست نه در فوتبال، بلکه در همان دنیای سینما نیز منسوخ شده و متعلق به ۴ دهه گذشته است اما اینجا هنوز سکه رایجی دارد و از مهم‌ترین ابزار موفقیت محسوب می‌شود. آنجا که به سبک بزین بهادرهای چاله میدان‌های قدیم گریبان می‌درند و لباس را بر زمین می‌کوبند تا در جنگ با رقیب بازنده نباشند.

روزگاری مجید جلالی که به یک مربی آرام، ساینلت و مأخوذ به حیا در فوتبال ایران

سرمربی پرسپولیس در کنفرانس از

بار شکست شانه خالی کرد

راه بردن پرسپولیس:

قدم زدن روی

اعصاب یحیی

سعید زاهدیان

خبرنگار ورزشی

هواداران مقصر اصلی از دست رفتن قهرمانی پرسپولیس در لیگ بیست و یکم را کسی جز یحیی گل محمدی نمی‌دانند؛ این را می‌شد از بست‌های اینستاگرامی و نوشته‌های هواداری در فضای مجازی فهمید. به بحث‌های نقل و انتقالاتی که پیرامون یحیی وجود داشت، رفتارهای خارج از عرف این مربی که باعث محرومیت سنگین در هفته‌های حساس پایانی لیگ شد را هم باید اضافه کنیم. یحیی خریدهای خوبی برای لیگ بیست و یکم نداشت و بازیکنان جدید را بازی نمی‌داد و همین مسأله موجب نارضایتی هواداران شد که اگر بازیکنی کیفیت لازم برای بازی در پرسپولیس را ندارد، چرا برایش این همه هزینه شده و بازی هم نمی‌کند. در لیگ بیست و دوم یحیی دست به انقلابی بزرگ در ترکیب تیمش زد و تیمی که سال قبل هماهنگ به نظر می‌رسید را با تغییرات گسترده بهم ریخت. همین مسأله باعث شده تا همچنان پرسپولیس با نوسان زیادی بازی کند و از کیفیت بالای ۵-۶ سال اخیر فاصله بگیرد.

سوازی اینها، یحیی همچنان از اتفاقات فصل قبل درس نگرفته و با مصاحبه‌ها یا رفتارهای خود برای پرسپولیس در مساز؛ بازی فولاد و پرسپولیس یک نمونه است. نمونه‌ای برای اثبات این حرف: «اگر می‌خواهد پرسپولیس را بریزد، روی اعصاب گل محمدی راه بروید!» یحیی خیلی زود از کوره درمی‌رود و برخلاف روزهایی که خودش بازی می‌کرد، عصیانگر و پرخاشگر شده؛ آستانه تحمل پایینی دارد و هرگاه زیر فشار قرار می‌گیرد، خیلی زود از کوره درمی‌رود و عصبی و هجومی به طرف مقابل حمله می‌برد.

بسیاری از مربیان فهمیده‌اند که برای بردن یحیی یکی از بهترین کارها، بازی روانی و ایجاد حاشیه برای نیمکت پرسپولیس است؛ یحیی گل محمدی بعد از بازی با فولاد با مصاحبه‌های جنجالی‌اش باعث شد تا پیرامون او و تیمش حواشی جدیدی ساخته شود. او در کنفرانس مطبوعاتی فولاد راه بازی کنفی و ضدفوتبال متهم کرد. حتی اگر حق با گل محمدی باشد و فولاد با جنجال و وقت‌کشی بازی را برده باشد، باز هم یحیی مقصر است و باید از او پرسید: «استراتژی



جانشین نکونام در جنجال‌ها

امیررضا همایون

خبرنگار ورزشی

بازی پرحاشیه فولاد و پرسپولیس که آخر هفته گذشته به میزبانی ورزشگاه فولاد آره نا شهر اهواز برگزار شد، آنقدر حاشیه داشت و دارد که همچنان پس از گذشت چند روز از روز بازی اتفاقات و حواشی آن در صدر اخبار رسانه‌های ورزشی و بعضاً غیرورزشی ایران قرار می‌گیرد. البته پیش از آغاز این رقابت هم پیش‌بینی می‌شد که این بازی با توجه به سوابق پیشین دو تیم به حاشیه و جنجال کشیده شود اما هیچ

کس فکرش را نمی‌کرد که اعضای کادرفنی فولاد و پرسپولیس با ریختن هیزم در آتش این حاشیه و جنجال‌ها باعث تحریک بیشتر بازیکنان دو تیم هم بشوند؛ هیزم‌هایی که شاید اگر به درون آتش جنجال‌های مصاف این دو تیم ریخته نمی‌شد، این بازی شاید با حواشی برکنار نمی‌شد و یک فوتبال واقعی می‌دیدیم، نه چار و جنجال و دعوا. حتی اخراج نکونام به‌عنوان متهم شماره یک دعوای این بازی موجب نشد تا حتی اندکی از حواشی کیود بازی کاسته شود. یکی از بانیان این جنجال بزرگ مدیر تیم فوتبال فولاد است؛ فردی که پس از اخراج جواد نکونام سرمربی این

تیم، از روی نیمکت جای او را گرفت و به‌عنوان نفر اول این تیم خوزستانی در متن جنجال‌های کنار زمین حضوری پررنگ داشت و به نوعی نفر اول بود. اتفاقی که بدون تردید برای سرپرست تیمی مانند فولاد که در فوتبال ایران همیشه به حرفه‌ای بودن معروف بوده، ناخوشایند و شبیه یک گل به خودی است. این رفتار برای اولین بار نیست از سوی محمد علوی رخ می‌دهد و او سابقه تکرار این اتفاق در دیگر بازی‌های این تیم در فصل جاری و گذشته را داشته؛ آنچه سبب می‌شود او را جانشین بر حق نکونام در جنجال‌ها معرفی کنیم؛ جانشینی برای خلق حاشیه‌های کیود!